



نصرتالله حکمت: فارابی بنیان‌گذار تفکر و فلسفه اسلامی است

نصرتالله حکمت گفت: فارابی بنیان‌گذار تفکر و فلسفه اسلامی است که ماهیتاً با تفکر و فلسفه یونان متفاوت است. من قبول ندارم که فارابی پیرو ارسطو بوده است.

نصرتالله حکمت گفت: فارابی بنیان‌گذار تفکر و فلسفه اسلامی است که ماهیتاً با تفکر و فلسفه یونان متفاوت است. من قبول ندارم که فارابی پیرو ارسطو بوده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، چهارمین نشست از سلسله نشست‌های حکمت هنر اسلامی با موضوع «هنر و زیبایی در اندیشه فارابی» روز دوشنبه ۹ اسفند در سالن همایش‌های فرهنگستان هنر برگزار شد. در این نشست نصرتالله حکمت، فیلسوف و استاد دانشگاه شهید بهشتی با موضوع «زیبایی به مثابه مدخل فلسفه در اندیشه فارابی» و «نادیا مفتونی» پژوهشگر فلسفه و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، با موضوع «تبیین جایگاه هنر فاضله و هنر حکمت در فلسفه سیاسی فارابی» به سخنرانی پرداختند.

همچنین اسماعیل پناهی عضو گروه نقد هنر پژوهشکده هنر در ابتدای این نشست علمی، مروری بر زندگی، اندیشه و آثار فارابی داشت. وی در خصوص شخصیت علمی فارابی اظهار داشت: فارابی از بزرگترین فیلسوفان اسلامی است و آغاز فلسفه اسلامی با او آغاز می‌شود. شاید افراد دیگری مانند کندی بوده‌اند، اما او اولین فیلسوف تراز جهانی مسلمانان است که در سال ۲۵۹ (ق.ه) در فاراب متولد شد و برای شهر محل تولد او، دو نقل قول وجود دارد؛ یکی فاراب در قزاقستان کنونی است و دیگری شهر فاریاب خراسان است که هر کدام از این نقل قول‌ها که باشد، محدوده جغرافیایی ایران بزرگ محسوب می‌شود.

وی در زمینه تحصیلات و علم‌آموزی فارابی ادامه داد: فارابی تحصیلاتش را در بغداد آغاز می‌کند و از محضر استادان بزرگی چون ابوبشر متی بن یونس القنائی بهره‌مند شده است و استعداد خاصی که در فراگیری علوم و معارف داشته، او را به سرعت از شاگردان آن حوزه متمایز می‌کند. فارابی تا مصر و حلب می‌رود و تحت حمایت سلسله شیعه حمدانیان قرار می‌گیرد. کار اصلی که فارابی انجام می‌دهد، بازگرداندن جریان حکمت به این منطقه جغرافیایی است. فارابی تلاش می‌کند با اقتباس از فلاسفه بزرگ یونان به ویژه آموزه‌های اسلامی حکمت را در نزد مسلمانان احیاء کند.

پناهی در مورد حوزه تخصصی فارابی افزود: او در زمینه‌های مختلفی تخصص دارد و آثاری از خود به یادگار گذاشته که در حوزه فلسفه، منطق، نجوم، طبیعیات، الهیات، سیاست، هنر و ... است و می‌توان او را به تمامی معنای کلمه، حکیم شمرد. فارابی کتابی در جمع بین آراء ارسطو و افلاطون دارد و فیلسوفی عمیقاً دینی و اهل عرفان است. او تلاش می‌کند از طریق تقرب به دو منبع مهم عقل و وحی به حقیقت دسترسی پیدا کند و از این طریق فلسفه اسلامی را بنیان‌گذاری می‌کند. او معتقد است که فلسفه در ذات خود وحدت دارد و حقیقت فلسفی، واحد است و اگر اختلافاتی میان آراء ارسطو و افلاطون وجود دارد، اختلافات سطحی و تأویل‌پذیر است. او تلاش می‌کند که از طریق این کتاب، اختلافات ظاهری را رفع کند و توضیح بدهد.

عضو گروه نقد هنر پژوهشکده هنر ادامه داد: فارابی نظرات ابداعی در موارد مختلف دارد که درباره نوآوری‌های او فرصت پرداختن به آنها نیست. وی قائل به قدمت عالم است و با دادن نظریات خود به تبیین عقلی خلقت عالم به نحوی که بحث قدمت هم در آن باشد، بپردازد. او تلاش می‌کند بین مابعدالطبیعه و الهیات آشتی بدهد و از نظریه صدور نوافلاطونی‌ها استفاده می‌کند و با مفهوم عقل فعال، برخی از مشکلات دینداری فیلسوفانه را حل کند و بحث وحدت و کثرت را حل می‌کند و وجود پیامبر را متصل به عقل فعال می‌داند.

در ادامه نصرتالله حکمت استاد دانشگاه شهید بهشتی به سخنرانی پرداخت و اظهار داشت: درباره فارابی صحبت کردن هم بسیار گوارا، لذت‌بخش و مطبوع است و در عین حال، کمی می‌تواند ایجاد غم و اندوه کند، زیرا برای بزرگترین فیلسوفانمان، کمترین زمان و کمترین امکانات اختصاص داده می‌شود و اینجا کمی تاسف می‌خوریم که برای مهمترین مباحث و مسایل زمان هیچ کاری انجام نمی‌دهیم.

وی با نقد اینکه برای تکنولوژی و هاپی هزینه می‌کنیم؛ و می‌زنیم؛ شود با هزینه و ای وارد کشور کرد ولی به علوم و فلسفه خود بها نمی‌زنیم؛ دهیم، تصریح کرد: صرف پول و هزینه زیاد برای وارد کردن تکنولوژی خیلی معقولانه نیست، در صورتی که اینها را می‌زنیم؛ توانیم به راحتی به کشورمان وارد کنیم، اما فارابی مال ماست، پیشینه، کیان و هویت ماست ولی ما فارابی را نمی‌زنیم؛ شناسیم و درباره و اش نخوانده و ایم و ملتی که نمی‌زنیم؛ داند پیشینه و گذشته و اش چیست؟ و از کجا آمده؟ نمی‌زنیم؛ تواند به پیشرفت نائل شود.

این فیلسوف بزرگ در خصوص کتاب و های فارابی یادآور شد: بسیاری از کتاب و های فارابی حتی ترجمه نیز نشده و ای، مثلا رساله و الحروف و؛ در ایران چاپ نشده بلکه در خارج از ایران منتشر شده است و اخیرا ترجمه و ای از آن شده و ای، می‌زنیم؛ بینید ما در مورد سیاست، تفکر، اندیشه فارابی هیچ کاری نکردیم، در صورتی که، کسی مانند ابن سینا خود را ریزه خوار خوان فارابی می‌زنیم؛ داند و دشوار است که در این زمان کوتاه بخواهم در مورد این شخصیت بزرگ علمی و این فیلسوف بزرگ اسلامی صحبت کنم.

وی به رساله و؛ تحصیل السعاده و؛ اشاره کرد و افزود: در این کتاب فارابی قصد دارد تا راه سعادت را به ما نشان دهد و این کلید واژه و؛ در تفکر فارابی است که در برابر تفکر یونان دارد. من قبول ندارم که فارابی پیرو ارسطو بوده است، زیرا هیچ فیلسوفی را نمی‌زنیم؛ توان پیرو یکدیگر دانست؛ اصولاً هیچ فیلسوفی را نمی‌زنیم؛ توان پیرو فیلسوف دیگر دانست زیرا فیلسوفی که پیرو فیلسوف دیگر باشد اصلاً فیلسوف نیست. فارابی بنیان و؛ گذار تفکر و فلسفه اسلامی است که ماهیتاً با تفکر و فلسفه یونان متفاوت است.

نصرت‌الله حکمت درباره واژه سعادت در تفکر فارابی توضیح داد: سعادت در اندیشه فارابی در مقابل روش آمده است. به عنوان مثال یونان یعنی روش. فارابی و ابن سینا یعنی راه و این دو با یکدیگر کاملاً متفاوتند. در فلسفه یونان باید بر اساس روش گام برداشت، اما در فکر فارابی راه بیشتر از روش اهمیت دارد.

وی در تشریح بیشتر اختلاف میان راه و روش بیان کرد: اختلاف راه و روش در فلسفه اسلامی و فلسفه ارسطویی و؛ در این است که در فلسفه اسلامی به دنبال حقیقت و راه هستند اما در نزد فلاسفه یونان حقیقت امری مجهول است و فیلسوف یونانی هیچ نشانه و؛ ای از این حقیقت در دست ندارد. گرچه او نیز به شوق حقیقت به فلسفه رو می‌زنیم؛ آورد و در برابر سوفسطائیان قرار می‌زنیم؛ گیرد اما به دلیل آنکه روش را بر می‌زنیم؛ گیزند، به حقیقت دست نمی‌زنیم؛ یابد و اگر از فیلسوف یونانی پرسید این حقیقتی که می‌زنیم؛ جویی، نام و نشانش چیست؟ او هیچ نام و نشانی ندارد به شما بدهد. به ناگزیر از روش استفاده می‌زنیم؛ کند ولی روش فقط ضامن درست اندیشیدن اوست. اما در فلسفه فارابی و ابن سینا آن حقیقتی که فلاسفه یونان می‌زنیم؛ جویند را پیدا کرده و؛ اند، زیرا اتکای آنان به روش نیست و بیشتر راه را می‌زنیم؛ جویند و کسانی که به دنبال راه هستند، از خطا و غلط خوفی ندارند و اگر از ما بپرسند که درست راه رفتن در راه نادرست، صحیح است یا راه رفتن در راه درست؟ باید گفت؛ رفتن در راه درست، بهتر است.

وی در همین زمینه تأکید کرد: برای تمام عرفای مسلمان، بیش از درست راه رفتن، راه درست اهمیت دارد و البته نور علی و؛ نور است که ما در راه درست، درست هم راه برویم. یعنی اگر شما در راه درست قدم بردارید، ولو کج و کوله هم راه بروید چون در راه درست قدم بر می‌زنیم؛ دارید، به مقصود خواهید رسید. اما اگر بخواهید روش را در نظر بگیرید و درست راه بروید اما در راهی که اشتباه است، قدم بگذارید، به مقصود خود نخواهید رسید و این تفاوت میان فیلسوفان اسلامی و یونانی است.

استاد نصرت‌الله حکمت به جمله و؛ ای از رساله و؛ تحصیل سعادت و؛ فارابی اشاره و خاطر نشان کرد: باید به این جمله و؛ معرفه الحق والیقین هی لا محاله جمیل و؛ اشاره کنم و بگویم؛ بدون فلسفه و تفکر نمی‌زنیم؛ توان به سراغ زیبایی و هنر رفت؛ شناختن حق و حقیقت و یقین به حقیقت، بی و؛ تریدید زیباست. بدون اغراق اگر بخواهم این جمله را -کما هو حقها- تفسیر کنم، باید یک کتاب بنویسم، چون فکر می‌زنیم؛ کنم به این آدم و؛ ها خیلی دین داشته و باید ادا کنیم؛ گرچه بازار تفکر را ترجمه و؛ ها اشغال کردند. اما با این و؛ ها دین داریم و این آدم مولود ترجمه بسیار آشفته و مضطرب و؛ اند که گاه اثر افلاطون را به ارسطو و بالعکس نسبت می‌زنیم؛ دهند.

وی در تأویل سخن فارابی افزود: لذت، منفعت و زیبایی سه مفهومی هستند که فارابی می‌زنیم؛ خواهد با آن و؛ ها راه سعادت را نشان دهد و در تشریح این سه مفهوم می‌زنیم؛ گوید: اینها هر کدام می‌زنیم؛ توانند انسان را به سعادت برسانند. انسان بخشی از زندگی و؛ اش با لذت و بخشی دیگر با منفعت تأمین می‌زنیم؛ شود

و انسان باید به منفعت و منافع خود برسد، اما آن مفهومی که فارابی به مفهوم لذت و منفعت جهت و معنا می‌دهد؛zwj&ست. این دو مفهوم گرچه برای انسان ضروری است اما فقط با مفهوم زیبایی است که جهت می‌دهد؛zwj&.

این پژوهشگر و محقق در اندیشه فارابی ادامه داد: فارابی معتقد است که این مفاهیم -لذت، منفعت و زیبایی- باید در خدمت جمع قرار گیرد. به عنوان مثال اگر از منظر فارابی به شهر و تبلیغات آن نگاه کنیم، زیبایی تحت غلبه منفعت است؛zwj& و این منافع است که دارد به زیبایی جهت می‌دهد؛zwj&. منفعتی که برای خدمت به فرد صورت گرفته است و از دیدگاه او این شهر فاقد سعادت است و زیبایی در آن حاکم نیست بلکه منفعت حاکم است و شهر را در حیطه خود دارد. زیبایی از دیدگاه فارابی یک مفهوم پیشا فلسفی است نه مفهومی فلسفی.

حکمت تفاوت فلسفه یونان و فارابی را چنین بیان کرد و گفت: دقیقاً در تعریف زیبایی فارابی است که تفاوت ماهوی فلسفه فارابی و یونان مشخص می‌شود؛zwj&. اگر ما تکلیف خود را با زیبایی مشخص نکنیم، نمی‌توانیم وارد ساحت فلسفه شویم. این عین بیان فارابی است. اگر در هر ساحتی که می‌خواهیم قدم بگذاریم از دیدگاه فارابی باید زیبایی را بشناسیم.

وی حقیقت را امری لازمه زیبایی دانست و بیان کرد: برای مهمترین چیزهایی که جز زیرساخت؛zwj&های تفکر و اندیشه و هنر ماست، نیاندیشیدیم، پیشنهاد فارابی این است که هیچگاه از روش به حقیقت و زیبایی نمی‌رسیم بلکه باید از زیبایی به روش برسیم و زیبایی را از کجا پیدا کنیم؟ این است که می‌گویم به زیر ساخت؛zwj&ها نرسیدیم زیرا ما تکنیک داریم، ما در بسیاری از هنرها از تکنیک بالایی برخورداریم اما ایده و تفکر نداریم و فاصله؛zwj&ای میان تکنیک و ایده و اندیشه افتاده است که حتی سینماگر ما نمی‌داند چه؛zwj& کند؟

نصرت‌الله حکمت با تشریح حسن و زیبایی سخنان خود را به پایان برد و گفت: زیبایی قابل تعریف نیست اگر ما بخواهیم از روش به زیبایی برسیم صرفاً به زیبایی محسوس و مادی خواهیم رسید و اسم آن زیبایی نیست، حسن نام دارد که زیبایی کمی دارد و کمیات در کنار هم حسن تولید می‌کنند و زیبایی در سنت ما از بیان ابن عربی استفاده می‌کنیم؛zwj& که می‌گوید: جمال و زیبایی بدون جلال معنی ندارد و جمال حتماً پشت پرده است، آن زیبایی و جمالی که پشت پرده است، صرفاً با فهم من شناخته نمی‌شود؛zwj& و کوشش من اکتشاف است و همه ما به دنبال منطق آن زیبایی هستیم و زیبایی باید انکشاف پیدا کند و جریان زیبایی هنر دو سو دارد یک سوی آن من هستم که در صدد اکتشاف است و سوی دیگر آن جمالی است که پشت حجاب است و باید عیان شود و ظهور کند.

بنا بر این گزارش؛zwj& نادیا مفتونی؛zwj& پژوهشگر فلسفه و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، با موضوع؛zwj& تبیین جایگاه هنر فاضله و هنر؛zwj& حکمت در فلسفه سیاسی فارابی؛zwj& به سخنرانی پرداخت. وی در خصوص زیبایی از دیدگاه فارابی گفت: هنوز آنقدر که فارابی به زمینه؛zwj&های زیبایی و علم الاجمال توجه داشته، دیگران به آن نپرداختند. فارابی در کتاب؛zwj& فصول منترعه؛zwj& از زمینه؛zwj&های مختلف هنری نام برده است. فارابی از شعر، آواز؛zwj& موسیقی به عنوان هنر یاد کرده است و در موسیقی کبیر نیز نقاشی را اضافه می‌کند؛zwj&.

وی به طبقات مدینه فاضله از دیدگاه فارابی اشاره کرد و افزود: فارابی در کتاب؛zwj& فصول منترعه؛zwj& از طبقات مدینه فاضله نام برده است که شامل پنج طبقه می‌شود. اولین طبقه، گروه افاضل، یعنی بخش فضلا و علما. دومین طبقه؛zwj& ذوالالسنه؛zwj& اهل خطابه و منبر، آوازخوانان، نویسندگان و شعرا هستند. طبقه سوم مقدرین هستند که شامل مهندسان، منجمان، پرشکان و؛zwj& می‌شود. طبقه مالیون شامل کشاورزان، تولید کنندگان، بازرگانان و طبقه مجاهدون که همان طبقه نیروهای نظامی و انتظامی است.

دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی در توضیح بیشتر این مباحث ادامه داد: فارابی می‌گوید؛zwj& رئیس اول پیامبر، خاص مطلق و جانشینانش هستند که می‌بایست حکیم هم باشند. یعنی پیام سعادت باید از طریق رئیس اول حکومت به مردم منتقل شود. مردم نیز برای حکومت دو مهارت جودت اقناع و جودت تخیل باید داشته باشند تا در تصدیق رئیس حکومت عمل کنند.

مفتونی در خصوص مدینه فاضله فارابی تصریح کرد: فلسفه وجودی مدینه فاضله فارابی، رساندن انسان؛zwj&ها به سعادت است. همچنان؛zwj& که هدف غایی ریاست در مدینه، تسهیل راه؛zwj&های تحصیل سعادت برای اهل آن است. از این؛zwj&رو، درک جامع از فلسفه مدنی فارابی، وابسته به شناخت مفهوم سعادت در نظام فکری او دارد.

سعادت در منظومه فلسفی وی، با نظریه معرفت وی پیوند دارد. اداره غایی مدینه به دست خدایی است که عقل فعال را فرشته نگهبان مدینه و واسطه انتقال فیض او به قوای ناطقه و متخیله رئیس از طریق او، به جمیع اهالی مدینه قرار داده است. سعادت، پاداش کار نیک و ترک کار زشت نیست، بلکه نتیجه آن است، به عبارت دیگر، معلول فضیلت و از سنخ آن است.